

# جمع معانی و گوی بیان

## جستاری در ضرورت تدوین فرهنگ جامع امثال و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی

احسان الله شکراللهی

جنبه‌های مختلف فرهنگ عامیانه اعم از قصه‌ها و افسانه‌ها، منظومه‌ها و ترانه‌ها، طنز و شوخ طبعی، مثل و مثل، بازی‌ها و باورها، آداب و رسوم، خوراک و پوشاک، و سایر جنبه‌های فرهنگ عامه در میان هر ملتی به دلیل اهمیت بسیار، شایسته تحقیق فراوان است و به همین خاطر محققان حوزه‌های مرتبط، در این زمینه آثار ارزشمند بسیاری پدید آورده‌اند. در میهن ما ایران و حوزه جغرافیایی زبان فارسی نیز پژوهشگران در این خصوص آثار ارزنده زیادی تالیف و تدوین نموده‌اند که کتابشناسی این آثار در داخل کشور تا سال ۱۳۵۰ توسط موسسه فرهنگی منطقه‌ای آسیایی منتشر گردیده<sup>(۱)</sup> و سایر آثار پدید آمده در فاصله سال ۱۳۵۰ تاکنون نیز بسیار، و در خود تامل است؛<sup>(۲)</sup> اما در مورد موضوع این مقال که امثال و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی است، به دلیل جایگاه خاص این شاخه از سخن در میان گویش‌های گوناگون این زبان، اعم از کاربرد محاوره‌ای و بیان ادبی، به نظر می‌رسد آن گونه که باید و شاید کار منسجم و درخوری صورت نگرفته است.

البته اهتمام اخیر فرهنگستان زبان به انتشار اصطلاحات و امثال گویش‌های گوناگون را باید به فال نیک گرفت، و به دست اندرکاران آن آفرین گفت، و نیز امیدوار بود که با ادامه این روند بخش قابل توجهی از امثال و اصطلاحات رایج در میان مردم سرزمینمان ثبت شود و زمینه تدوین "فرهنگ جامع امثال و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی" فراهم گردد. کاری که نه یک یا دو تن بلکه گروهی علاقمندِ کاردان و دلسوز را می‌طلبد تا با جمع‌آوری و سازماندهی اطلاعات مزبور زیر نظر محققان کارکشته و با حمایت یک مرکز علمی فرهنگی کار را به سامان مطلوب برسانند.

عشق و شتاب و رندی مجموعه مراد است چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد شاید برخی افراد که از دور دستی بر آتش دارند چنین تصور کنند که با وجود آثار گرانسنگی که توسط نامداران این عرصه به منصفه ظهور رسیده، کار چندانی برای انجام باقی نمانده است، در صورتی که واقعیت چیز دیگری است؛ اقیانوس امثال و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی پهنه‌ای به اندازه همه سرزمین‌های فارسی زبان، با همه گوناگونی لهجه‌ها و گویش‌ها، طولی به درازای بیش از هزار سال سابقه تکلم و تالیف به این زبان، و عمقی به عمیقی همه مفاهیم، احساسات و روابط انسانی دارد. حتی عبور از این اقیانوس کار ساده یک نسل نیست چه رسد به کاوش تمامی لایه‌ها، زاویه‌ها و زیبایی‌های نهفته در آن.


پس کاری بزرگ فراروی همه علاقمندان این عرصه قرار دارد، اگر کاخی را باید پی افکند که از یاد و بوارن خلل نیابد، لازم می‌آید که خشت نخست را راست بنهیم و از روی سادگی و سهل‌انگاری کار را دست کم نگیریم. علوم انسانی کار چو از روی عقل باشد و دانش

نرم شود همچو موم آهن و پولاد نگارنده که مدتی دغدغه طرح این مسئله را در دل داشته، پس آن که متوجه شد اقدامات پراکنده‌ای در این خصوص در حال انجام است، تصمیم گرفت به منظور جلوگیری از دوباره کاری و ندانم کاری، آنچه به عنوان بایسته‌های این حرکت، شایسته انجام و پیگیری می‌داند در این مقاله بیاورد و با این که خود هیچ داعیه توانمندی در انجام این مهم را ندارد، به صرف علاقمندی نکاتی را یادآور شود که -انشاء الله- باعث تامل بیشتر دست‌اندرکاران این حوزه شود. و برخی زوایای تاریک این مسیر پر پیچ و خم را روشن کند.

پیش از پرداختن به آن نکات، شاید اشاره‌ای گذرا به تاریخچه، اهمیت و عظمت این کار، عده‌ای دیگر از علاقمندان به فرهنگ عامیانه به ویژه در شاخه زبان را تشویق نماید تا با پیوستن به خیل مشتاقان این عرصه و یکدست نمودن توان و تجربه گذشتگان و امروزیان، ضمن یک کاسه نمودن همه آثار پژوهشی پیشین، پژوهشی سترگ و دراز دامن را جامه انجام ببوشانند و آن را هم چون لغت نامه علامه دهخدا به سرانجامی نسبتاً مطلوب برسانند.

شاید بتوان ادعا کرد که همواره فرهنگ نویسان زبان فارسی علاوه بر واژگان رسمی و ادبی، نیمه‌نگاهی نیز به اصطلاحات زبان عامه داشته‌اند، اما از نیمه قرن یازدهم قمری که محمد علی هبله رودی در «مجمع الامثال فارسی» و محمد صادق اصفهانی در «شاهد صادق»،<sup>(۳)</sup> نخستین تلاش‌ها را برای جمع‌آوری امثال فارسی صورت دادند، تا نیمه قرن چهاردهم قمری که فرهیختگان فرهنگ سازی چون مرحومان علی اکبر قائم مقام فراهانی (در نامه داستان)، علامه علی اکبر دهخدا (در امثال و حکم)، علامه احمد بهمنیار (در داستان نامه بهمنیاری)، و شیخ حسن جابری انصاری (در امثال الجاریه) به جمع‌آوری امثال فارسی همت گماشتند، حدود سیصد سال گذشت. در این میانه نیز آثار ارزنده اندکی پدید آمد که البته یا مانند خزینه الامثال حسین شاه حقیقت (ترجمه

۷  
کتابخانه



مجمع الامثال

از

محمد علی حبله رودی

ویراسته

دکتر صادق کیا

مستاد نگارنده

شماره ۴

انتشارات آرزو فرهنگ

مجمع الامثال میدانی در ۱۲۱۵<sup>(۲)</sup> مستقل نبود، یا همچون لغات مصطلحه عوام از حبیب الله لشکر نویس<sup>(۵)</sup>، و فرهنگ لغات عامیانه رضای حکیم اصفهانی<sup>(۶)</sup> بیشتر جنبه تربیتی و تعلیمات اخلاقی داشت تا جنبه واژه‌شناسی.

از آغاز قرن چهاردهم خورشیدی خیل مشتاقان فرهنگ عامه به جمع‌آوری امثال و اصطلاحات از گوشه و کنار ایرانشهر همت گماشتند و امثال و اصطلاحات گویش‌های گوناگون را در محدوده جغرافیایی زبان فارسی به ویژه محدود سیاسی ایران امروز جمع‌آوری تالیف و منتشر نمودند، که البته شاید هنوز هم برخی از آثار مهم پدید آمده در این زمینه مثل «امثال الجاریه» شیخ جابری انصاری لباس نشر به خود نبوشیده باشد. ذکر حتی گوشه‌ای از این تلاش‌ها در این مقاله مختصر میسر نیست. برای جلوگیری از اطاله مطلب تنها باید به آثار شاخص در این زمینه اشاره کرد و گذشت. از نخستین آثار ارزنده پدید آمد، در این دوران، کتاب «فرهنگ عوام» تالیف مرحوم امیرقلی امینی<sup>(۷)</sup> است. وی که علی‌رغم نقص جسمی هم‌تنی بلند و عزمی راسخ داشت، ابتدا مجموعه‌ای از امثال زبان فارسی را گرد آورد و تصمیم داشت آن را به نام «امثال پارسی» منتشر سازد، اما پس آن‌که بپترووری (استاد وقت زبان فارسی در دانشگاه کامبریج که در آن زمان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول تکمیل اطلاعات خود در زبان فارسی بود) به او

توصیه کرد که از جمع‌آوری اصطلاحات زبان فارسی غفلت نورزد، او ظرف مدت دو سال اثری را که کاملاً برای چاپ آماده بود دوباره زیر و رو کرد و بیش از دو هزار اصطلاح به آن افزود و به همین مناسبت نام آن اثر را از «امثال پارسی» به «فرهنگ عوام» تغییر داد. پس از کاری که امینی انجام داد، محمدعلی جمال زاده داستان نویس بزرگ، کاری ارزنده در این زمینه به انجام رساند و اثری با عنوان «فرهنگ لغات عامیانه» پدید آورد که در سال ۱۳۴۱ به کوشش دکتر محمدجعفر محبوب منتشر شد.

مقدمه جمال زاده بر این اثر خود به تنهایی اثری ماندگار در تاریخ ادبیات فارسی است.

البته پیش از جمال زاده، صادق هدایت نیز توجه خاصی به فرهنگ عوام مبذول می‌داشت که تاثیر آن در اکثر آثار داستانی او قابل مشاهده است. به علاوه وی در کتاب نیرنگستان خویش به صورت مشخص به این مقوله پرداخته است و با ارائه تعداد قابل ملاحظه‌ای از کلمات و اصطلاحات عامیانه گام بلندی در تحقیق زبان و عادات و عقاید مردم برداشته است. اما کار او جنبه فرهنگ نویسی نداشت و از این جهت با سایر آثار خلق شده در این زمینه متفاوت است. جز آنچه ذکر شده، آثار ارزنده قابل ذکر بسیاریند اما مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- لغات عامیانه فارسی افغانستان، تالیف عبدالله افغانی نویسنده موسسه تحقیقات و انتشارات بلخ ۱۳۶۹.

- فرهنگ لغات و معاصر، تالیف دکتر منصور ثروت و دکتر رضانزایی نژاد (تهران: سخن، ۱۳۷۷).

- کتاب کوچک (جامع لغات، اصطلاحات، تعبیرات و ضرب‌المثل‌های فارسی) تالیف احمد شاملو - قند و نمک (ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره)، تالیف جعفر شهری (تهران: معین، ۱۳۷۸).

- دوازه هزار مثل فارسی و سی هزار معادل‌های آنها، تالیف دکتر ابراهیم شکورزاده (مشهد: به نشر، ۱۳۸۰).

- فرهنگ فارسی عامیانه تالیف ابوالحسن نجفی (تهران، نیلوفر، ۱۳۷۸).

مبنای اکثر آثار نامبرده سایر متون اعم از متون داستانی، ادبی یا فرهنگ‌ها بوده است، و به هر میزانی که در تهیه آنها کوشش شده باشد دو نقص نسبی بر آنها مترتب است: یکی عدم رویت همه متون بدون محدودیت زمانی

و موضوعی، و دیگری عدم تحقیق میدانی و جمع‌آوری آنچه در افواه عموم رایج است. شاهد بر نقص نخست تکمله امثال و حکم دهخدا است که مرحوم گلچین معانی آن را تالیف نموده است. اما پرداختن به اصطلاحات شایع در زبان مردم کاری است سخت‌تر که نمونه بسیار کوچکی از آن توسط خانم دکتر مهشید مشیری با عنوان «فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان» در سال ۱۳۸۱ منتشر گردیده است.

پیش از پایان دادن به این مقدمه طولانی، یادی از دیگر دلسوزانی را که در زنده نگهداشتن پژوهش در زمینه فرهنگ عامیانه نقش بسزایی داشته‌اند، بر خود فرض می‌دانم: مرحومان صادق کیا، محمدجعفر محبوب، مهدی پرتوی آملی، صبحی مهتدی و انجوی شیرازی که هر یک سال‌ها با زلال عشق این نهال بالنده را آبیاری نمودند و بر طراوت و جلوه‌گری آن افزودند.

اما برای تدوین «فرهنگ جامع امثال و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی» چه گام‌هایی را باید برداشت؟

**الف -** نخستین گام در این مسیر، جستجوی جامع برای تهیه سیاهه‌ای دقیق از آثار تالیف شده در این زمینه است. یعنی تدوین کتابشناسی کاملی از آثار مربوط به امثال و اصطلاحات زبان فارسی و همه گویش‌های وابسته به آن، اعم از کتاب، رساله، مقاله، مصاحبه و سخنرانی که همه یا بخشی از آنها به این موضوع اختصاص یافته است، اعم از چاپی، خطی، میکروفیلم یا اشکال رایانه‌ای موجود.

برای برداشتن این گام نخست تنها سر زدن به چند کتابخانه معتبر کافی نیست و حتماً لازم است ضمن ارتباط با همه کتابخانه‌های ایران و جهان که در زمینه ایران‌شناسی منابع گردآوری می‌کنند، با شماری از صاحب نظران مشورت به عمل آید. ضمن آن که نباید تنها به جستجو از طریق رایانه و برگردان اکتفا نمود، بلکه باید حتی الامکان هر اثر را به عینه ملاحظه کرد و در صورت تناسب موضوع نامش را به سیاهه مزبور اضافه نمود.


در این مرحله لازم است در مورد هر اثر معلوم داشت که آیا آن اثر قبلاً منتشر شده یا نه، و در صورت عدم انتشار، نسبت به شناسایی سایر نسخه‌های آن نیز تلاشی صورت داد.

# کتاب کوچک

جامع لغات، اصطلاحات، تعبیرات، ضرب‌المثل‌های فارسی

حرف آ

۲۱۵۵۹۷



انتشارات آید

تألیف: دکتر ابراهیم شکورزاده

هم چنین اگر در این مرحله به اسامی آثاری برخورداریم که نشانی از آنها نداریم و تنها در سایر منابع از آنها نام برده شده، گروهی مامور شوند تا تمام سعی خود را مبذول دارند آن اثر را در هر نقطه از جهان وجود دارد بیابند و یک نسخه از آن را برای کتابخانه یا آرشیو مرکز تهیه نمایند.

**ب - گام بعدی همان است که به شمه‌ای از آن در سطور آخر بند پیشین اشاره شد. در واقع تشکیل کتابخانه تخصصی امثال و اصطلاحات زبان فارسی نه به عنوان گام دوم بلکه هم زمان با گام نخست، یعنی شناسایی آثار، باید صورت پذیرد. هر اثری که در این زمینه یافته می‌شود، از چند حالت خارج نیست: یا اثری منتشر شده است که در صورت موجود بودن نسخه‌ای از آن خریداری و به کتابخانه تخصصی مزبور فرستاده می‌شود. در صورت موجود نبودن نسخه چاپی، روگرفت نسخه‌ای از آن که حتماً در یکی از کتابخانه‌های مهم یافت می‌شود کافی است. با توجه به پیشرفت فن‌آوری اطلاعات در دوران معاصر این روگرفت می‌تواند به صورت رایانه‌ای و بر روی لوح فشرده نیز باشد.**

شکل دیگر آثار، نسخ خطی است که هر چند اخذ روگرفت از آنها معمولاً با موانعی همراه است اما اجتناب‌ناپذیر است، و به هر قیمت باید تصویری از آثار خطی چاپ نشده در این زمینه به دست آورد. در خصوص فراهم‌آوری مقاله‌ها و مصاحبه‌ها، و سخنرانی‌ها هم گروهی افراد خُبره و کار کشته در امر پژوهش باید زمانی را صرف این مهم کنند که چیزی از قلم نیفتد، هر چند اهمیت مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها به اندازه مقالات نیست و اولویت نخست را باید برای مقاله‌های علمی قائل شد. اما ممکن است در این سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها سرنخ‌هایی از دیگر آثار به دست آورد. طبیعی است فراهم‌آوری این اطلاعات بدون سازماندهی آنها دردی از گروه محقق دوا نمی‌کند و چه بسا بازیابی اطلاعات، آنها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نماید. پس برای تکمیل این گام یعنی تشکیل کتابخانه تخصصی امثال و اصطلاحات زبان فارسی، باید به سازماندهی علمی منابع این کتابخانه پرداخت که در تخصص کتابداران دانش آموخته و مجرب است و باید آن را نیز جدی گرفت.

**ج - گام بعدی تلاش در جهت انتشار آثاری است که تاکنون زمینه نشر آن فراهم نشده است. هر چند شاید این گام به نظر غیر مرتبط با هدف اصلی به نظر آید، اما با توجه به این که تعداد این دسته از آثار بسیار معدود و انگشت شمار است، می‌توان به عنوان فعالیتی جنبی به آن پرداخت. وقتی گروه محقق ناچار از بررسی دقیق امثال و اصطلاحات است، چه خوب است که چنین دقت نظری همگام با تصحیح انتقادی آن متون صورت پذیرد تا با یک تیر دو نشان زده شود.**

**د - گام بعدی تهیه شیوه‌نامه‌ای است که در آن همه روش‌های کار اصلی مشخص شده، و تصمیم‌های اساسی در آن معلوم گردیده باشد. این تصمیم‌ها عبارتند از:**

**۱- تعیین رسم المشق یا رسم الخط به منظور یکدست‌سازی کل اثر: با عنایت به این که آثار مربوط به امثال و اصطلاحات در قرون مختلف نوشته شده و توسط کاتبان گوناگون استنساخ گردیده، و حتی امروز نیز کمتر می‌توان چند کارشناس موضوعی را سراغ جست که از رسم المشق واحدی در انتقال دانش خویش استفاده کنند، متوجه اهمیت این اقدام می‌شویم.**

**۲- تعیین میزان درج مطالب: با توجه به تنوع شکل برخی امثال و اصطلاحات، آیا در چنین فرهنگی باید به درج یکی از اشکال امثال یا اصطلاحات بسنده کرد؟ یا همه اشکال موجود و ممکن یک مثل را باید در کنار شکل مرجح نشانند؟ (زمان‌های مختلف، اشخاص مختلفه پس و پیشی کلمات و...)**

**- آیا باید به معنای تحت الفظی امثال اکتفا نمود، یا مفهوم کنایی آنها را هم نوشت؟**

**- آیا باید به امثال و اصطلاحات معادل آنها نیز ارجاع داد یا از کنار این مسئله مهم به راحتی گذشت؟**

**- آیا لازم است موضوع کلی هر مثل را هم ذکر کرد یا ذکر موضوع مهم تلقی نمی‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است این کار بر اساس واژگان کنترل شده انجام شود یا زبان آزاد؟**

**- آیا لازم است ریشه‌های تاریخی یا داستانی امثال و اصطلاحات ذکر شود یا ضرورتی در ارائه آنها دیده نمی‌شود؟**

**- آیا همه مآخذ یک مثل باید در این فرهنگ ذکر شود یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، با کتابشناسی**

کامل یا مختصر؟ با کدام علائم اختصاری؟ هر پاسخی که به سئوالات فوق بدهیم تعیین حجم مطالب نیز چیزی است که نباید فراموش شود.

**- آیا باید برای حجم مطالب هر مدخل محدودیتی قایل شد یا خیر؟**

**۳- تعیین دامنه کار: باید دقیقاً معلوم داشت که فرهنگ مزبور به دنبال پر کردن کدام خلاء است و هدف از تالیف آن دقیقاً چیست؟ آیا در این اثر تنها باید امثال و اصطلاحات عامیانه بیاید یا امثال و اصطلاحات به کار رفته در کتب ادبی هم جایی در این فرهنگ دارد؟**

**- آیا اشعاری که صنعت ارسال‌المثل در آنها به کار رفته باید همه در این فرهنگ گنجانده شود یا خیر؟ و اصلاً فاصله بین مثل و اصطلاح را باید ندیده انگاشت و آنها را کنار هم آورد، یا میان آنها تمایز قایل شد و جداگانه به هر یک پرداخت؟ (توضیحات مرحوم علامه بهمنیار در اثر گرانسنگ «داستان‌نامه بهمنیاری» در پاسخ به سوال اخیر کمک شایانی می‌کند.)**

**- اصولاً مثل و اصطلاح را مطابق کدام تعریف بر می‌گزینیم و طبق کدام ملاک عامیانه یا ادبی بودنش را تشخیص می‌دهیم؟**

**- آیا در این مجموعه، شعارها، کلمات قصار یا جملات کوتاه حکمت‌آمیز، پند و موعظه، و ترجمه برخی آیات و احادیث نیز جایی دارد یا خیر؟**

**آیا امثال و اصطلاحات به گویش‌های مختلف**

# ده هزار مثل فارسی

پنج هزار معادل آنها



تألیف  
دکتر ابراهیم سکوزاده  
استاد دانشکده فردوسی مشهد

زبان فارسی اعم از آنچه در داخل کشور تکلم می‌شود و آنچه در دیگر کشورهای فارسی زبان یا مناطق فارسی زبان دیگر کشورها وجود دارد، باید مدنظر قرار گیرد یا تنها باید به زبان فارسی رسمی بسنده کرد؟

به عقیده نگارنده طریق نخست بسیار سخت است. اما باید آن را پیمود، اما طریق دوم اصولاً نقض قرض است چرا که بسیاری از امثال و اصطلاحات در گویش غیر رسمی متولد می‌شود و در زبان رسمی و متون ادبی به حیات خود ادامه می‌دهد.

ثبت تفاوت‌های امثال در گویش‌های گوناگون ما را به درک عمیقی می‌رساند که تفاوت‌های فرهنگی اقلیمی و اجتماعی گروه‌های مختلف مردم فارسی زبان را برایمان ممکن می‌کند.

در تعیین دامنه کار باید به پاسخ این سوال هم اندیشید؟ تکلیف امثال غیر فارسی رایج میان مردم ایران چیست؟ متن اصلی امثال عربی، ترکی، کردی، لری و دیگر زبان‌ها، لهجه‌ها و گویش‌ها. دیگر این که اگر ترجمه امثالی از زبان‌های خارجی هم چون انگلیسی و فرانسه در ایران رواج داشت با علم به خارجی بودن ریشه این امثال، تکلیف فرهنگ جامع امثال فارسی چیست؟

#### ۴- تعیین روش استخراج کلیه واژه‌های امثال و اصطلاحات:

در میان امثال، بسیاری از آنها دارای کلید واژه‌های مشترکی هستند. یک گام در مسیر تحقیق این شاخه از سخن، کنار هم نشان دادن این امثال و اصطلاحات است. شاید تنها راه ممکن برای انجام این کار، استخراج کلید واژه‌ها یا نمایه

سازی آنها باشد. برای انجام این مهم باید بدانیم کلید واژه چه ویژگی دارد؟ یا به عبارت دیگر ملاک انتخاب کلید واژه در امثال و اصطلاحات چیست؟ آیا اسامی (عام و خاص) افعال، قیده‌ها، صفت‌ها، اصوات هر یک در چه شرایطی می‌توانند کلید واژه قرار بگیرند؟

#### ۵- تعیین چگونگی ترتیب و تنظیم

مدخل‌ها: آیا همه امثال ذیل یک ترتیب الفبایی می‌آیند، یا کلید واژه‌ها و موضوعات کلی امثال استخراج می‌شود و ذیل هر موضوع یا کلید واژه، امثال ترتیب الفبایی به خود می‌گیرد؟ در این صورت اگر هر مثل چند موضوع یا چندین کلید واژه داشت تکلیف چیست؟

آیا اصولاً ترتیب منطقی دیگری می‌توان برای این فرهنگ پیشنهاد داد؟

دادن یا ندادن شماره به هر مدخل چه مزایا و معایبی دارد و بالاخره کدام مرجع است؟

ه- گام بعدی تهیه فهرست‌های راهنمای جامعی است که از هر جهت بتواند پاسخگوی نیاز مراجعه کننده باشد.

از جمله:

۱- فهرست منابع و مأخذ  
۲- فهرست کلید واژه‌ها، و ارجاع به مدخل‌هایی که هر کلید واژه را شامل هستند.

۳- فهرست موضوعات و مدخل‌هایی که در آن موضوع وجود دارد.

۴- فهرست اعلام (که می‌تواند جزو کلید واژه‌ها باشد یا به صورت مستقل بیاید)

و سایر فهرست‌هایی که ممکن است در عمل نیاز به آنها احساس شود و به کمال نسبی کار

کمک کند.  
و - کار میدانی: علاوه بر آنچه در خصوص استخراج اطلاعات مربوط به امثال از دل آثار مکتوب گذشت، فرا روی داشتن راهکاری برای جمع‌آوری امثال و اصطلاحات غیرمکتوب یا پراکنده در متون غیر تخصصی از ضرورت‌های این کار سترگ است.

دو محور اصلی این گام عبارتست از:

۱- تهیه شیوه نامه و پرسشنامه جمع‌آوری امثال غیرمکتوب، و فراخوان علاقمندان برای تکمیل آن در مناطق مختلف جغرافیایی حوزه زبان فارسی و در نهایت جمع‌آوری جمع‌بندی و اضافه نمودن حاصل این تلاش به آنچه از پیش تهیه شده است.  
۲- مامور نمودن عده‌ای از علاقمندان برای خوانش متونی که احتمال می‌رود امثال عامیانه در آنها بسیار باشد مخصوصاً فیلمنامه‌ها و نمایشنامه‌ها.

همان گونه که می‌دانیم اکثر آثار سترگ مربوط به امثال و اصطلاحات مبنای متنی داشته‌اند، مثل «امثال و حکم دهخدا»، «فرهنگ فارسی عامیانه» آقای نجفی و «مثلها و حکم‌ها» دکتر عقیقی. اما هر یک متون خاصی را در نظر داشته‌اند. در این کار سترگ لازم می‌آید که نخست دامنه متون را به دوران معاصر نیز بکشانیم و دوم از جهت موضوعی و شکلی به آن تنوع بدهیم تا از تور ظریف این پژوهش چیزی جا نماند و بتوانیم با افتخار بگوییم: این است «فرهنگ جامع امثال و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی».

عشق و شراب و رندی مجموعه مراد است چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد

#### ارجاعات

- ۱- کتابشناسی فرهنگ عامه و مردم‌شناسی ایران، گردآوری محمود زمانی و علی بلوکباشی. تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۰.
- ۲- کافی است نام هر استان، شهرستان و حتی برخی روستاها را در فهرست‌های رایانه‌ای جستجو کنیم و ببینیم علاقه‌مندان فرهنگ بومی در این زمینه تا چه میزان کار کرده‌اند. البته طبیعی است که ارزش علمی این آثار یکسان نیست و بخشی از آنها براساس عرق ملی افراد به وجود آمده است، نه تخصص ایشان.
- ۳- این هر دو اثر پیش از انقلاب به همت دکتر صادق کیا منتشر شده‌اند. فصل امثال کتاب «شاهد صادق» در سال ۱۳۴۱ و مجمع الامثال در سال ۱۳۴۴ هر دو از سلسله انتشارات اداره فرهنگ عامه وزارت فرهنگ و هنر.
- ۴- خزینه الامثال (ترجمه مجمع الامثال میدانی)، تألیف حسین شاه، متخلص به حقیقت) تصحیح احمد مجاهد، تهران: دانشگاه تهران، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.
- ۵- لغات و مصطلحات عوام، منسوب به حبیب الله لشکر نویس، شریعتمدار تبریزی، به اهتمام احمد مجاهد، تهران، ۱۳۷۱.
- ۶- نسخه منحصر به فرد این رساله به شماره ۵۱۵۶/۱۱ در گنجینه کتابخانه مجلس محفوظ است.
- ۷- فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان فارسی، گردآوری امیرقلی امینی. ویرایش دوم توسط عبدالباقی نواب. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۰-۱۳۵۳.
- ۸- نقل از مقدمه کتاب فرهنگ لغات عامیانه تألیف سید محمد علی جمال زاده، به کوشش محمدجعفر محبوب. تهران: کتابخانه ابن سینا ۱۳۴۱.
- ۹- نیرنگستان، صادق هدایت، تهران: امیر کبیر ۱۳۳۴.
- ۱۰- «فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان»، مهشید مشیری. تهران: آگاهان، ایده، ۱۳۸۸.